

## ‘Elām, Elām or Haltamti?

Mohammad Amin Mirghaderi\*

Bahar Rezai Baghbidi\*\*

### Abstract

Elam is a well-known name for researchers as a cultural and political power in the Ancient Near East and a historical period full of ups and downs. The cultural remains of this historical period have been well identified in archaeological excavations. This evidence confirms the existence of the government and the land referred to in the Bible as "Elam". Centuries before archaeological excavations and translations of cuneiform texts, references to the land and rule of "Elam" were made in the Bible. Over the years, Iranian and non-Iranian researchers have done much research on this period, and several sites have been excavated. Despite the volume of studies related to this historical period, there is a point, and it is a theoretical difference that exists between Iranian scholars in the meaning, origin and form of writing the name of Elam, especially in writing it with "ع" / "الف". In this article, we will discuss why this is the case and provide suggestions on it; because it seems appropriate for researchers to use a single form in writing the name of this historical period.

**Keywords:** Haltamti, ‘Elām, Elām, Mesopotamia, Bible.

\* Postdoctoral Researcher of Archaeology, Department of Archaeology, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author), m.a.mirghaderi@gmail.com

\*\* Ph.D. candidate in Archaeology, Department of Archaeology, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran, bahar\_rezai@ymail.com

Date received: 2023/03/24, Date of acceptance: 2023/07/05



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## عیلام، ایلام یا هَلتَمتی؟

محمد امین میرقادری\*

بهار رضائی باغبیدی\*\*

### چکیده

ایلام به عنوان یک قدرت فرهنگی و سیاسی در خاور نزدیک و نیز یک دوره تاریخی پر فراز و نشیب نامی آشنا برای پژوهشگران است. طی سال‌ها پژوهشگران ایرانی و غیر ایرانی پژوهش‌های فراوانی پیرامون این دوره انجام داده و محوطه‌های متعددی کاوش شده است. از این رو بقایای فرهنگی این دوره تاریخی در کاوش‌های باستان‌شناختی به‌خوبی شناسایی شده است. این شواهد وجود حکومت و سرزمینی را که در کتاب مقدس به شکل «عیلام» به آن اشاره شده است، تأیید می‌کند. قرن‌ها پیش از انجام کاوش‌های باستان‌شناسی و ترجمه متون میخی، در کتاب مقدس پیرامون سرزمین و حکومت «عیلام» اشاراتی ذکر شده است. با وجود حجم مطالعات مربوط به این دوره تاریخی نکته‌ای وجود دارد و آن اختلاف نظری است که میان پژوهشگران ایرانی در معنا، ریشه و شکل نگارش نام ایلام به ویژه در شیوه نگارش آن با «الف»/«ع» وجود دارد. در این مقاله به چرایی این موضوع می‌پردازیم و پیشنهادهایی پیرامون آن ارائه خواهیم کرد؛ چرا که به نظر می‌رسد شایسته است شکل واحدی برای نگارش نام این تمدن و دوره تاریخی برگزینیم.

**کلیدواژه‌ها:** هَلتَمتی، عیلام، ایلام، میانرودان، کتاب مقدس.

\* پژوهش‌گر دوره پسادکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

m.a.mirghaderi@gmail.com

\*\* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران،

bahar\_rezai@ymail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۴



## ۱. مقدمه

قرن‌ها پیش در کتاب مقدس به ایلام اشاره شده است، اما از قرن ۱۹ میلادی به بعد بود که کاوش در محوطه‌های میانرودان و همچنین کاوش‌های باستان‌شناسان فرانسوی در شوش در اواسط قرن ۱۹ م. و بررسی یافته‌های آن‌ها ما را با موجودیت قدرتمند ایلام آشنا کرد (Steve et al. 2002: 375-403). پس از این کشفیات پژوهش‌های فراوانی از سوی باستان‌شناسان و زبان‌شناسان پیرامون تاریخ و فرهنگ این دوره صورت گرفت. بر خلاف سایر دوره‌های تاریخی که مورخان پیشگام مطالعات فرهنگی و جغرافیایی آن بودند، در اینجا باستان‌شناسان و زبان‌شناسان هستند که دانش ما را نسبت به این دوره تاریخی گسترش دادند. هر چند پژوهش‌های مهمی در زمینه این دوره به انجام رسیده و در پرتو کشف یافته‌های باستان‌شناختی، جنبه‌های مهمی از تاریخ و تمدن ایلام بر ما روشن شده است، اما هنوز پرسش‌های فراوانی پیرامون این دوره تاریخی مهم وجود دارد. در این میان جالب است که هنوز اجماعی روشن درباره معنا، ریشه و شکل نگارش نام ایلام به ویژه در نگارش آن با «الف»/«ع» در میان پژوهش‌گران شکل نگرفته است و برخی این نام کهن را با «الف» و برخی دیگر آن را با «ع» می‌نویسند. این اختلاف نظر واکنش‌هایی را نیز به همراه داشته است (علیزاده ۱۳۸۶؛ ارفعی ۱۳۶۷ و ۱۳۷۶؛ مفیدی نصرآبادی ۱۴۰۰). علیزاده دلایل نگارش ایلام با «ع» را به‌طور خلاصه اینگونه بیان می‌کند:

..... پیش از پرداختن به بحث‌های اصلی، لازم است که املائی نام "عیلام" با "ع" که در این کتاب استفاده شده است نیز به خواننده توضیح داده شود. دلیل این توضیح آشفتگی در املائی این نام با حرف‌های الف و عین در مقاله‌ها و کتاب‌های فارسی است. عیلامی‌ها سرزمین خود را "هال تامتی یا سرزمین مقدس" می‌نامیدند. نام عیلام (با عین یا الف) از واژه elamtu گرفته شده است، که آمیزه ای است از elam به معنی بلند و tu به معنی "سرزمین". پس نزد ساکنان جنوب بین‌النهرین، منطقه ای که در شرق سومر و آکاد قرار داشت به سرزمین بلند مشهور بود، به این دلیل آشکار که کوه‌های سترگ زاگرس مشرف بر سومر و آکاد هستند. با وجود اینکه اکدی زبانی سامی است، ولی در ایده‌نگار elamtu تشخیص "عین" از "الف" یا "غین" از "قاف" در نام‌ها آسان نیست و به همین دلیل فقط با نگاه کردن به علامت میخی elam نمی‌توان گفت منظور نویسنده عین بوده یا الف. با وجود این، چون در همه زبان‌های سامی elam یا alam به معنی بلند است، بیراهه نرفته‌ایم اگر بگوییم که واژه عربی "علم" به معنی "بلند" و "افراشته" از همان ریشه است. بر این پایه، به نظر منطقی می‌آید که این واژه با "عین" نوشته شود. ولی این

عیلام، ایلام یا هلتمتی؟ (محمد امین میرقادری و بهار رضائی باغبیدی) ۲۹۱

دلیل شاید برای خواننده سختگیر ناکافی باشد. در این صورت، در پشتیبانی از املاي Elam با "عین" می توانیم کهن ترین املاي الفبایی نام Elam را شاهد بیاوریم. در کتاب "پیدایش" تورات، سرزمین "هال تمتی" همیشه با "عین" نوشته شده است، و بعید است بپنداریم که نویسندگان این متن نمی دانستند چگونه نام elam را که از منابع آکادی گرفته بودند هجی کنند. نام "عیلام" با "الف" (ایلام) که نام یکی از استان های جنوب غربی ایران است، ریشه تاریخی ندارد و به احتمال زیاد فارسی شده عیلام است. افزون بر این ها، نوشتن نام عیلام با "عین" تمایز زیبا و لازمی بین نام سرزمین کهن هال تمتی و نام استان امروزی ایلام بوجود می آورد (علیزاده، ۱۳۸۶: ۱۴-۱۵).

علیزاده در مورد ریشه و معانی نام ایلام کاملاً توضیح می دهد و سه دلیل برای نگاشتن این نام با «ع» مطرح کرده و پیشنهاد می دهد که بهتر است این نام به صورت عیلام نگاشته شود. در ادامه و بر اساس این سه دلیل به بررسی شیوه نگارش این نام در متون میانرودانی و کتاب مقدس می پردازیم و سپس با نگاهی متفاوت به استان ایلام و نحوه شکل گیری این استان در دهه پنجاه خورشیدی خواهیم پرداخت.

لازم است در انتهای بخش مقدمه نکاتی را یادآور شویم؛ نحوه و شکل نگارش نام ایلام/عیلام را می توان از دو جنبه بررسی کرد؛ نخست مسئله آوایی است؛ از این نظر زبان فارسی برخلاف زبان های عربی و عبری تفاوتی در تفسیر یا ادای الف، ع و همزه قائل نمی شود اما از منظر ریشه شناسی که جنبه دیگری است که در این مقاله به آن می پردازیم، اهمیت ویژه ای پیدا می کند چرا که صورت خطی می تواند ما را به سمت معنا و ریشه یک واژه هدایت کند. متأسفانه در برخی موارد مشاهده شده که نویسندگان ایلام/عیلام به بی سوادی متهم شده و برخی از ناشران و مجلات علمی نیز در این زمینه موضع گیری به خصوصی دارند. با نگارش این مقاله علاوه بر ذکر استدلال های طرفین تلاش شده منصفانه و به دور از جانب داری زوایای مختلف این بحث بررسی شود؛ هر چند نگارندگان نگارش به صورت ایلام و یا هلتمتی را پیشنهاد می کنند.

## ۲. پرسش و فرضیات پژوهش

مهم ترین پرسش های این پژوهش بررسی ریشه و خاستگاه، معنا و شیوه نگارش نام ایلام است. بررسی های انجام گرفته نشان می دهد که نام ایلام یک ریشه بومی و ایلامی داشته و به

مرور زمان به صورت اَلَم، اَلَمَتو / اَلَمَتوم، عیلام و سپس در دوره پهلوی اول به ایلام تغییر یافته است.

### ۳. روش پژوهش

ساختار این پژوهش کیفی است و بر اساس اهداف بنیادی تنظیم و تدوین شده است. از منظر روش پژوهش، روش پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی است. در این پژوهش جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای است که از منابع دست اول کتابخانه‌ای استخراج شده است. در نهایت اطلاعات به دست آمده از منابع کتابخانه‌ای با یکدیگر مقایسه، تحلیل و تفسیر شده‌اند.

### ۴. نام ایلام / عیلام در متون میانرودانی<sup>۱</sup>

نخستین اشاره‌های ویژه به ایلام و جمعیت آن در متون بابلی متعلق به دوره سلسله‌های اولیه IIIb (۲۳۵۰ - ۲۵۰۰ پ.م.) دیده می‌شود. هر چند ممکن است این جای‌نام پیش از این در لوحی از اوروک III ذکر شده باشد که زنان را در میان چند برده فهرست می‌کند. همانطور که در بسیاری از متون می‌توان مشاهده کرد ارزش آوایی سومر نگار «NIM» ایلام است (Steinkeller 2018: 177). نیم (𒀭 = NIM) یک آوانگار سومری است که با توجه به بررسی متون میخی میانرودانی دارای ارزش آوایی و معانی مختلف است. این آوانگار دارای ارزش آوایی مانند نَم (nàm)، نی (ni<sub>7</sub>)، نیم (nim)، نو (nù)، نوم (num)، تو (tu<sub>8</sub>) و توم (tum<sub>4</sub>) بوده و دارای چند معنی است: زومبو (zumbu) با تلفظ نیم (nim) و نوم (num)، به معنی «مگس / حشره پرنده» و «زیوری ساخته شده به شکل مگس»، اِلو (elû) «بلند بودن»، شگو (šagû) «بلند»، هرپو / هرپو (harpu/ harāpu) «زود» و همراه با شناسه گیش (GIŠ) برای گیاهان و ساخته‌های چوبی (baltu) که نوعی گیاه خاردار است و با شناسه KI (برای محل) = elam(ma) - «سرزمین ایلام» (Borger 2004: 400, no 690) و همچنین دارای معانی شاهزاده، صبح، تابان و شرق است (Halloran 2006: 204).

تلفظ آوایی نیم در هزاره سوم پ.م. در اسامی افراد ناشناخته و مکان‌های ناشناخته دیده می‌شود اما به واسطه برخی از شواهد آن را ایلام نیز ترجمه می‌کنند. به نظر می‌رسد منظور سومریان از NIM ارتفاعات زاگرس، دشت‌های پست خوزستان و فارس است (Bryce 2009: 219). آن چه نیم را به ایلام مرتبط می‌کند مدارک غیر مستقیمی مانند لوگال نیم است که

عیلام، ایلام یا هَلْتَمْتی؟ (محمد امین میرقادری و بهار رضائی باغبیدی) ۲۹۳

احتمالاً منظور شاه ایلام است (پاتس، ۱۳۹۲: ۱۳۹)؛ همچنین در برخی از متون یک فرد به‌طور هم‌زمان در جایی به عنوان شاه ایلام (Elamtum) و در جای دیگر به عنوان شاه نیم معرفی شده است (Desset 2017: 2). نخستین اشاره به نیم/ایلام در متنی از این منبرگسی مربوط به ۲۶۷۵ پ.م. است (Edzard 1967: 54; Jacobsen 1939: 85). به نظر دامرو و انگلاند ایلام شکل اکدی شده واژگان سومری و ایلامی متأثر از elûm به معنای «بلند بودن» است (Damerow and Englund 1989: 1). اسپایزر نیز معتقد است نگارش ایلام با «ع» در کتاب مقدس از یک سو و ارتباط NIM سومری با واژگان اکدی (eli- elu- el-ili) نشان‌دهنده ارتباط نام ایلام با مصدرهای علی و یعلو در زبان عربی است (Speiser 1930: 26). الی، آلو، ال و ایلی در اکدی به معنی «بر، روی، بالای، علیه (دشمن)» (on- over- above- against) است، این کلمات ریشه کلماتی مانند الینیتو (elîntu) و الینو (elînu) به معنی مرتفع در اکدی هستند (Black et al. 2000: 69). در برخی از فهرست‌های دو زبانه نیز نیم برابر با واژه اکدی إلوم (elûm) و شَقوم (šaquûm) به معنی مرتفع است (Desset 2017: 2; Stolper 1984: 3).

به نظر می‌رسد که این تفاسیر در معنی کردن نیم و الامتو و ارتباط آن با سرزمین‌های مرتفع شرقی میانرودان درست باشد؛ اما باید در این زمینه نکاتی را یادآور شد؛ نخست آن که نیم یک هزوارش سومری است و به مانند سایر شهرهای میانرودانی مانند بُرسیپ (AMBAR-a)، (فرین، ۱۴۰۰: ۲۵)، اریدو (NUN<sup>ki</sup>) (Borger 2004: 69,71)، لگش (ŠIR-BUR-LA<sup>ki</sup>) و یا آدب (UD-NUN<sup>ki</sup>) (Jacobsen 1976: 101)، صَرَبَت (GIŠ-ASAL<sub>x</sub>) (فرین، ۱۴۰۰: ۲۸) و از جمله شوش (ZATU-<sub>499</sub>, MUŠ<sub>3a</sub>-EREN, MUŠ<sub>3a</sub>-ŠEŠ<sub>2</sub>) (Selz 1991: 31; Frayne 1997: 408: 2.1.6.1022) به صورت هزوارش نوشته شده‌اند، ایلام نیز در سومری به صورت هزوارش (NIM) نوشته شده است و به طور کلی این هزوارش‌ها به صورت زبان مبدأ آن خوانده می‌شده است (علی‌محمدی، ۱۳۸۸: ۴۴). بر اساس فهرستی از دوره بابل قدیم نیز درمی‌یابیم که تلفظ سومری نیم، اَلَم (e-la-am/ e-lam) است (Desset 2017: 2). پوئیل نیز شرح می‌دهد که تلفظ سومری نیم، اَلَم است و اَلَم (elam) سومری و اَلَمْتوم (elamtum) اکدی به یک هَلَم (halam) اصلی‌تر و بومی‌گردد و ارتباطی با نیم و معانی آن ندارد. همچنین در یکی از متون اور III ایلام به صورت (é-nam) آمده است، کربنیک معتقد است نیم می‌توانسته به صورت آوایی نَم آمده باشد و چون در سومری تبدیل n به l رایج بوده است، نیم سومری enim یا elam تلفظ می‌شده است (Krebernik 2006: 62-64). این نام از نظر ریشه‌شناختی با نام ایلامی هَلْتَم (haltam)، هَلْتَم-تی (haltam-ti) و هَتَم-تی (hatam-ti)، «سرزمین ایلامی‌ها»

یکسان است. به نظر می‌رسد که صامت‌های *lt* در میانه نام ایلامی قدیم هلتَم (*haltam*) نشان‌دهنده نوعی صامت ناهمگون است که در نوشتار نام ایلامی گاهی به صورت *lt* بیان شده است، اما بعدها معمولاً *t* نوشته شده است، در حالی که سومری‌ها استفاده از *t* را متوقف کردند و تنها صدای *l* از خوشه *lt* اصلی را حفظ کردند (Poebel 1931: 21).

هم‌چنین اسپایزر و پیشینیان او اَلَمْتوم (*elamtum*) اکدی را ترجمه‌ای از نیم (NIM) سومری می‌دانند. مطمئناً درست است که نیم سومری با هجاهای *elû* اکدی، به معنی «بالا» برابر است؛ اما «سرزمین مرتفع» یا به طور صحیح‌تر «سرزمین بالا»، در اکدی مَتوم اَلیتوم (*mâtum alitum*) و بعدها مَتوالِئیتو (*mâtuelênitu*) است و نه مَتوم اَلمتو (*mâtumelamtu*) که ابتدا شکلی از *elû* نیست، زیرا اگر این کلمه از ریشه اکدی (*elamtum*) مشتق شده بود، *m* متعلق به *elamtu* کاملاً غیر قابل توضیح می‌شد؛ حتی اگر بپذیریم اَلمتوم (*elamtum*) ترکیبی از مَتوم اَلیتوم (*mâtum alitum*) باشد، در این شکل مَتوم موصوف و اَلیتوم یا اَلتوم صفت است و براساس دستور زبان اکدی بایستی *elam* به عنوان صفت بایستی پس از *tum* بیاید و نه به شکل اَلمتوم (*elamtum*). حال اگر بپذیریم که اَلمتوم (*elamtum*) اکدی برگرفته از تلفظ سومری نیم (*elam/ enim/enam*) با پسوند (أ) *tum* (-*a*) باشد، دچار چنین مشکلی نخواهیم شد؛ چنین تفسیری را می‌توان در نام اکدی سوَبَریتوم (*subaritum*) و مَریتوم (*maritum*) نیز مشاهده کرد؛ قسمت اول نام سومری سرزمین‌های سوَبیر/ سوَبَر (*subir/subar*) و مَرِتو (*martu*) قسمت آخر کلمه پسوند (أ) *tum* (-*a*) را نشان می‌دهد (Gelb 1944: 23). پسوند *tum* (-*a*) در اکدی یک شناسه مؤنث‌ساز است که (*t*) نشانه مؤنث و (*m*) نشانه صرف نهادی است (Huehnergard & Woods 2008: 107) اما در این مورد به نظر نمی‌رسد چنین ارزشی داشته باشد، چرا که افزودن شناسه مؤنث به نام یک کشور خارجی در زبان اکدی عجیب و نامحتمل است. بنابراین احتمالاً اَلمتوم اکدی از تلفظ سومری نیم، یعنی اَلَم مشتق شده است؛ برای مثال در متنی از ماری نام ایلام به صورت NIM-tim آمده است که منظور (*elamtum*) حالت اضافه (*elamtum*) است اما تفسیر دیگری نیز می‌توان عنوان کرد و آن ریشه ایلامی اَلمتوم است؛ ممکن است *-tu* که توسط اکدی‌ها افزوده شده تحت تأثیر نام ایلامی هَلتَمتی (*hal(t)am-ti*)، به معنی «سرزمین هَلتَمتی» است که در متون ایلامی نام ایلامی سرزمین ایلام است (Steinkeller 2018: 28; Vallat 1996: 177)؛ بنابراین، اَلمتو اکدی صرفاً از سومری مشتق نشده است، بلکه حاوی یک عنصر از نام ایلامی نیز است یا اینکه اَلمتو کاملاً یک ریشه ایلامی داشته است (Poebel 1931: 22).



عیلام، ایلام یا هَلْتَمْتی؟ (محمد امین میرقادری و بهار رضائی باغبیدی) ۲۹۵

نکته دیگر در مورد نیم است. در هیچ کجای ادبیات سومری کلمه نیم، بیانگر سرزمینی مرتفع، یافت نشده است. در واقع آن چه که ما در می‌یابیم، عبارت‌های جغرافیایی مانند کلم ایگی نیم (*Kalam-IGI-NIM*) یا مَتومَلیتوم (*mātumalītum*) به معنی «کشور بالا» است (Poebel 1914: 177)، اَبَسِیگَتَ اَبَ ایگی نیم مَش (*a-ab-ba-si-ga-ta a-ab-ba-IGI-nim-ma-šē*) به معنی «از دریای پایین تا دریای بالا» (Frayne 2008: 436, col. II, 8-9) و سیگت نیم ش (*sig-ta nim(a)-šē*) به معنی «از پایین به بالا» است (Edzard 1997: 100, cyl. B, 24<sub>2</sub>). اساساً در هزاره سوم پ.م. و نیز اوایل هزاره دوم پ.م. آوانگار نیم مربوط به محدوده جنوب غرب ایران می‌شده است که منطقه‌ای مرتفع نبوده است (Michalowski 2008: 112-113). در واقع سومری‌ها ایده «سرزمین مرتفع و خارجی» را به وسیله کور (*kur*) «کوه» بیان می‌کردند، به همین دلیل هر سرزمینی خارج از بابل (حتی عربستان) کور نامیده می‌شد. بنابراین استفاده از *nim* یا *elam* به معنای «مرتفع» برای بیان ایده «سرزمین مرتفع» منطقی نیست. مشکلات مربوط به این فرضیه که سومری‌ها ایلام را به عنوان «سرزمین مرتفع» نامیده‌اند، بسیار بیشتر از آن چیزی است که در نگاه نخست به نظر می‌رسد.

## ۵. نام ایلام / عیلام در کتاب مقدس

بیش‌تر مردم پیش از آن که به واسطه متون میانرودانی با ایلام آشنا شده باشند آن را از اشارات جسته‌گریخته کتاب مقدس می‌شناسند (پاتس، ۱۳۹۲، ۱۶). آگاهی غرب نسبت به ایلام پیش از مستندسازی، حفاری و بازیابی کتیبه‌ها و بناهای یادمانی ایلامی در محل طی قرن‌ها شکل گرفته است. ظهور ایلام در کتاب پیدایش (۲۲.۱۰) به عنوان پسر شیم به طور گسترده مطرح شده است.<sup>۲</sup> در کتاب مقدس ۵۹ بار به ایلام در اشکال مختلف اشاره شده است (Dubovsky 2018: 27). ایلام در کتاب مقدس به صورت عیلام / *עילם* (*Ēlām*) آمده است و همین موضوع سبب شده تا با توجه به این نکته بار دیگر این موضوع مطرح شود که نام عیلام مرتبط با آن خوانشی است که بیانگر ارتباط نام ایلام با ریشه علی و یعلو به معنی مرتفع در زبان عربی است. ظاهراً این تحلیل، تحلیلی صحیح به نظر می‌آید، علیزاده نیز معتقد است: «بعید است بپنداریم که نویسندگان این متن نمی‌دانستند چگونه نام *elam* را که از منابع اکدی گرفته بودند هجی کنند» (علیزاده ۱۳۸۶: ۱۵). اما با ذکر این نکته که اساساً صامت «ع» در زبان سومری و اکدی وجود ندارد (Edzard 2003: 14-21; Huehnergard 2000: 1-3) این پرسش مطرح می‌شود که اگر عبرانیان با آواهای زبان سومری یا اکدی آشنایی داشتند، چرا ایلام را با

«ع» نگاشته‌اند؟ در پاسخ به این پرسش بایستی دریابیم که عبرانیان این نام را از متون سومری اخذ کرده‌اند یا اکدی؟ برخی معتقد هستند که عبرانیان نام ایلام را از نام اکدی آن (*elamtu*) برداشت کرده‌اند (Dubovsky 2018: 27). در این صورت بایستی نام ایلام را به صورت *إلما* (*عیلنت*) یا *ایلما* (*عیلنہ*) می‌نوشتند، اما شناسه *ا* (*ت*) یا *ای* (*ه*) را رها کردند و آن را *عیلام* (*عیلہم*) نگاشته‌اند. برای پاسخ به این پرسش بهتر است متن کتاب مقدس را مرور کنیم. در کتاب مقدس، از ایلامیان به عنوان یک حکومت قدرتمند و طولانی مدت یاد شده است (Mallowan 1971: 264). علاوه بر *عیلام*، در کتاب مقدس نام *عولام* (*لاولہم*) نیز ذکر شده است (عزرا، ۱۰:۲ و ارمیا، ۴۹:۳۶). با نگاهی به معنی *عولام* در می‌یابیم که *عولام* در عبری به معانی «عالم (بی‌انتهای)، ابدی، طولانی مدت، جاودان و طولانی‌ترین» است (Klein 1987: 27; Dubovsky 2018: 466)؛ بنابراین می‌توان اینگونه تحلیل کنیم که نام ایلام در کتاب مقدس به صورت *عیلام* / *عولام* ناشی از ذهنیت کاتبان عبرانی نسبت به حکومت ایلام بوده و ایلام را به‌عنوان یک حکومت ابدی / طولانی مدت می‌شناختند و به این دلیل آن را با «ع» نگاشته‌اند. این تحلیل می‌تواند برای چرایی نگارش ایلام با «ع» از سوی کاتبان عبرانی مطرح شود، چه از روی نام اکدی ایلام (*elamtu*) و چه از روی نام سومری ایلام (*elam*) اخذ شده باشد. حال اگر فرض کنیم که عبرانیان نام *عیلام* را از نام سومری ایلام وام گرفته باشند، در این صورت بار دیگر متوجه خواهیم شد که نام سومری ایلام نیم نبوده بلکه *إلم* بوده است (Poebel 1931: 25). از سویی اگر تلفظ سومری نیم، *إلم* (*elam*) بوده باشد و نه نیم، همانطور که پیش از این شرح داده شد، آنگاه چرایی شکل عبرانی *عیلام* (*لایلہم*) به راحتی آشکار می‌شود؛ جای تعجب ندارد که ممکن است عبرانیان نام ایلام را از سومری گرفته باشند؛ زیرا تا اواخر سلسله اور III، حداقل زبان رسمی سرزمین‌های تحت کنترل بابل، زبان سومری بود؛ و از آنجایی که پادشاهان اور III بر سرزمین *مَرتو* (*martu*) که در برگیرنده بخش وسیعی از سرزمین‌های غربی میانرودان، از مدیترانه تا عربستان تسلط داشتند، می‌توان نفوذ و رواج زبان سومری در میان عبرانیان را توضیح داد (مفیدی نصرآبادی، ۱۴۰۰: ۲۱؛ Verderame 2009: 253-254). به‌طور مثال، نام بزرگ‌ترین پسر نوح *سیم* / *شیم* (*šēm*) که نماینده مردم و کشور سومر است، به وضوح نشان می‌دهد که این نام به شکل سومری و به احتمال فراوان از شکل *إمسَل* (*Emesal*)<sup>۳</sup> آن یعنی *شومی* (*šumi*) اخذ شده است. *شومی*، بدون (*r*) انتهای از ریشه نام سومر / *شومر* (*šumer*) است و احتمالاً (*r*) به عنوان یک صامت در سومری، هر زمان که در انتهای یک کلمه یا هجا قرار گیرد حذف می‌شود. از سوی دیگر، یادآوری می‌شود که اکدی‌ها کشور سومر را

عیلام، ایلام یا هَلْتَمْتی؟ (محمد امین میرقادری و بهار رضائی باغبیدی) ۲۹۷

مَت شومری (*mât Šumerî*) به معنی «سرزمین سومری‌ها» می‌نامیدند. در اینجا نیز ترجمه و نوع خوانش عبرانی با تلفظ و نگارش سومری و اکدی تفاوت دارد. این نوع از ترجمه عبرانیان را در مورد واژه سومری شینگگی اوری (*Šingi-Uri*) یا همان کنگگی اوری (*Kengi-Uri*) به معنای «سومر و اکد» را می‌توان مشاهده کرد، در حالی که اکدی‌ها چنین نامی را مَت شومری او اگدی (*mât Šumerî u Akkadî*)، «سرزمین سومری‌ها و اکدی‌ها» می‌نامیدند، عبرانیان (پیدایش، ۱۰:۱۰) آن را شینعار/شینعار (*Šin'ār*) ترجمه کرده‌اند که به وضوح نگارش عبری واژه شینگگی اوری در زبان سومری است (Poeble 1931: 26). چنین تأثیرات و تغییراتی از اصل سومری اسامی را می‌توان در نام ادین (*edin*) به معنای دشت که در عبری به صورت عدن آمده نیز اشاره کرد. با این تفاسیر به نظر می‌رسد تبدیل ا به ع امری رایج بوده است (مفیدی نصرآبادی، ۱۴۰۰: ۲۱). این نمونه‌ها مصادیقی برای این است که عبرانیان علاوه بر اینکه از نام‌های سومری استفاده کرده‌اند تغییراتی در ترجمه نام‌های سومری اعمال می‌کردند. بر اساس این شواهد به نظر می‌رسد شکل عبرانی نام ایلام نمی‌تواند دلیلی بر این باشد که عیلام عبرانی بیانگر ارتباط ایلام با معانی نیم در سومری و معانی اَلْمَتو یا اَلْینو/اَلْینیتو (*elmituelinu*) به معنی مرتفع از یک سو و مصادر علی و یعلو در عبری است.

برخی دیگر از پژوهشگران با توجه به این نکته که نام عیلام پیش از آن که کاوش‌های باستان‌شناختی به سرانجام برسند و ما را با تمدن و فرهنگ ایلام آشنا کند، ما به واسطه آن چه در کتاب مقدس آمده آشنا شده‌ایم و حتی مورخان یونانی و اسلامی نیز به استناد کتاب مقدس، ایلام را با «ع» ذکر کرده‌اند (Potts 2018: 11; Fiey 1979) لذا دارای اصالت تاریخی است که موظفیم به آن وفادار باشیم. شواهد نشان می‌دهد که این متون حداقل از اواسط سده سوم پ.م. و مابقی کتب عهد عتیق در سده دوم پ.م. از عبری به یونانی ترجمه شده‌اند (رضائی باغبیدی، ۱۳۸۴: ۳۴). بنابراین تردیدی در اینکه نام عبرانی عیلام دارای اصالت تاریخی است و از مسیری عبرانی به دست ما رسیده وجود ندارد، اما باید توجه داشت بسیاری از اسامی خاص در کتاب مقدس با آن چه امروزه و به واسطه ترجمه متون میخی (که اهمیت بسیاری نیز دارند) می‌شناسیم تفاوت‌های بسیاری دارد. ما امروزه دیگر به واسطه متن کتاب مقدس خشایارشا را همانگونه که در کتاب مقدس آشورش آمده ذکر نمی‌کنیم (استر، ۳:۷)، همچنان به سارگن، شاه آشور سرجون نمی‌گوییم (اشعیا، ۲۰:۱).<sup>۴</sup> تا زمانی که متون کهن که دارای اصالت تاریخی و علمی هستند، کشف و ترجمه نشده‌اند، کتب تاریخی مورخان و یا کتب دینی می‌توانند معیاری برای پیروی باشند اما همانگونه که بحث شد نگارش

نام ایلام و بسیاری از نام‌های دیگر در کتاب مقدس به صورت عیلام، برداشتی متفاوت از معنا و ریشه اصلی واژه در متون میخی است، از این رو پیشنهاد می‌شود ما به اسامی اصلی و آوانگاری‌هایی استناد کنیم که بر پایه متون میخی استوار هستند.

## ۶. استان ایلام و ذکر چند نکته

یکی دیگر از دلایلی که در مورد نگارش ایلام با «ع» مطرح می‌شود، ایجاد یک تمایز میان نام تمدن ایلام با استان کنونی ایلام است. برای مثال این نکته تا آنجا پیش رفته که حتی در سریال نوروزی «زیر خاکی ۱»، چندین بار از سوی بازیگر نقش اول آن تکرار شد. موافقان ایجاد این تمایز معتقد هستند که اصولاً نام‌گذاری استان ایلام ارتباطی با فرهنگ و تمدن ایلامی نداشته است (علیزاده ۱۳۸۶: ۱۵). اگر نام این استان ارتباطی با فرهنگ و تمدن ایلامی ندارد چرا چنین نامی برای این استان در جنوب غربی ایران انتخاب شد؟ برای پاسخ به این پرسش بایستی به نحوه شکل‌گیری این استان پردازیم.

نام شهر ایلام و مرکز استان ایلام در دوره قاجار ده بالا بود که به حسین‌آباد تغییر کرد و در سال ۱۳۱۵ نام روستای حسین‌آباد به ایلام تغییر یافت و سرانجام در سال ۱۳۵۳ استان ایلام تشکیل شد (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۲۹). چرا نام بزرگ‌ترین روستای غرب ایران باید به ایلام تغییر کند که به گفته بسیاری ارتباط معناداری با فرهنگ و تمدن ایلام نیز ندارد؟

همانطور که می‌دانیم در زمان عثمانی همواره میان ایران صفوی / قاجار از یک سو و دولت عثمانی از سوی دیگر کشمکش‌هایی بر سر تعیین مرز وجود داشته است. با پایان جنگ جهانی اول و فروپاشی عثمانی، فرصتی مهیا شد تا ایران به مشکلات مرزی خود در غرب کشور خاتمه دهد (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۱۴۴). بخشی از طرح ایران در کنفرانس صلح پاریس (۱۹۱۹) که یکی از وظایف آن بررسی دعاوی مرزی کشورها با مغلوبین جنگ بود، چنین است: «در غرب کشور دولت ایران آن قسمت از باریکه مرزی را که اغلب چراگاه گوسفندان و احشام ایلات چادرنشین ایرانی است برای خود مطالبه می‌کند» (همان) ۵. به‌طور کلی اشکالات ایران مربوط به نقشه نخستین کمیسیون مرزی بود که در سال ۱۸۶۹م. تهیه شده بود و طبق آن از آارات تا خرمشهر منطقه‌ای به طول ۱۸۰۰ کیلومتر عرضی از ۳۰ تا ۶۰ کیلومتر مورد اختلاف بود (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۲۶۵). بر این اساس مناطقی مانند معادن نمک شرق ترساق / تورساق (احتشامی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۵۲) در حدود ۵۰ کیلومتری غرب شهر ایلام و منطقه باغ‌شاهی یا همان بگسایه (اکبری، ۱۳۹۳) و سبغات خزیر / هفت کاریز

عیلام، ایلام یا هلتمتی؟ (محمد امین میرقادری و بهار رضائی باغبیدی) ۲۹۹

(زینی‌وند و شریفی، ۱۳۹۸) از جمله مناطق مورد اختلاف بوده است. در سال ۱۸۹۱-۱۸۸۹ (۱۲۶۷-۱۲۶۹ ه.ش) دژگان به دعوت وزیر معارف وقت بررسی‌هایی را در حوزه جغرافیا، زبان‌شناسی و نژادشناسی، باستان‌شناسی، زمین‌شناسی و دیرینه‌شناسی در ایران انجام می‌دهد (de Morgan 1894). وی در مناطق یاد شده سه محوطه را شناسایی می‌کند (de Morgan 1895: 238) که در سال ۱۳۱۰ این سه محوطه یعنی محوطه‌های سلیمان‌تپه/تورساق، تل بکسایه و سبغات خزیر به ترتیب به عنوان آثار ملی شماره ۱، ۲ و ۳ ثبت ملی شده‌اند (نک: زینی‌وند و شریفی، ۱۳۹۸). اختلافات مرزی ایران و عراق بر روی کاغذ و طی قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر خاتمه یافت و مناطقی از جمله مناطقی که این سه محوطه در آن قرار داشتند به خاک عراق ضمیمه شد (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۴۷۸). نکته‌ای که در ثبت این آثار وجود دارد شماره‌گذاری آن‌هاست. این سه محوطه در سال ۱۳۱۰ در حالی در صدر فهرست آثار ملی ایران ثبت شده‌اند که آثار و محوطه‌های مشهور و بزرگی مانند تخت جمشید (شماره ۲۰)، بیستون (شماره ۲۶)، سیلک (شماره ۳۸)، شوش (شماره ۵۱) و ... پس از این سه محوطه ثبت ملی شده‌اند! جالب اینجاست که هر سه محوطه به دوره ایلام تاریخ‌گذاری شده‌اند. با توجه به امکان تفاسیر مختلف، ممکن است این اقدام احتمالاً در راستای نوعی تثبیت مالکیت مرزی در آن زمان صورت گرفته باشد و با ثبت ملی سه اثر مالکیت ایران بر آن مناطق را نشان دهند. در ادامه احتمالاً نام ایلام را (با توجه به تاریخ پیشنهادی در برگه ثبتی محوطه‌ها) به عنوان نخستین حکومت ایران‌زمینی برای بزرگ‌ترین روستای منطقه یعنی حسین‌آباد برگزیده‌اند.

در این زمینه نکته بسیار مهمی نهفته است؛ همانطور که می‌دانیم دژگان آشنایی کاملی با فرهنگ و بقایای فرهنگی ایلام دارد؛ او نه تنها در شوش بلکه شواهد فرهنگی دوره ایلام در خوزستان را نیز بررسی کرده و به‌خوبی می‌شناسد. دژگان در مورد محوطه سلیمان‌تپه/تورساق، این محوطه را به دوره کاسی‌ها تاریخ‌گذاری می‌کند و برای محوطه بکسایه تاریخی ذکر نمی‌کند؛ وی محوطه سبغات کهریز را نیز به دوره ایلامی نسبت می‌دهد و عنوان می‌کند که این محوطه همان شهر ایلامی گمبولو (Gamboulou/Gambulu/Gambuli) است (de Morgan 1895: 238) که برای نخستین بار در کتیبه‌های سارگن دوم و نیز اسرحدون به‌عنوان دروازه ایلام ذکر شده است (Bryce, 2009: 246). از آنجایی که امروزه می‌دانیم با توجه به موقعیت این محوطه‌ها و نزدیکی آن‌ها با مراکز میان‌رودانی بعید به نظر می‌رسد که حتی محوطه سبغات کهریز نیز دربردارنده بقایای فرهنگی ایلامی باشد (هر چند نتیجه قطعی با انجام کاوش باستان‌شناسی به دست خواهد آمد) (نک: زینی‌وند و شریفی ۱۳۹۸: ۳۵) و از سوی دیگر

دژرگان عکس یا طرحی از بقایای سطحی این محوطه‌ها منتشر نکرده است، ما را به این سمت رهنمون می‌کند که یک احتمال را در اینجا ارائه نماییم. اگر این سه محوطه ایلامی نیستند (شواهد اینگونه است) چرا گذار که مسئول شناسایی و ثبت این محوطه‌ها بوده علاوه بر محوطه سبعت کهریز دو محوطه دیگر را نیز به عنوان محوطه‌های ایلامی تاریخ‌گذاری و ثبت کرده است؟ همانطور که بحث شد در راستای تحکیم مواضع ایران در مالکیت این سه نقطه، سه محوطه‌ای که از پیش شناسایی شده بودند، ثبت ملی شدند. در چنین شرایطی و با توجه به شناخت کاملی که از فرهنگ و تمدن ایلام به عنوان نخستین حکومت ایران‌زمینی به دست آمده بود، احتمالاً این تاریخ‌گذاری عمداً برای این محوطه‌ها در نظر گرفته شده است؛ چرا که تاریخ‌گذاری این سه محوطه به هر دوره دیگری نمی‌توانست به طور شایسته تعلق تاریخی این مناطق به ایران را اثبات نماید؛ برای مثال اگر این محوطه‌ها به دوره هخامنشی، اشکانی و ساسانی تاریخ‌گذاری می‌شدند طرف عراقی می‌توانست مدعی این نکته باشد که تمامی کشور عراق در این دوره‌ها بخشی از خاک ایران بوده و بر عکس اگر این محوطه‌ها مربوط به دوره اسلامی تاریخ‌گذاری می‌شدند طرف عراقی می‌توانست این ادعا را مطرح کند که کل ایران در دوره‌های اموی و عباسی بخشی از سرزمین اسلامی به پایتختی دمشق و بغداد بوده‌اند. لذا هر دو تاریخ‌گذاری مانع دست‌یابی طرف ایرانی به خواسته‌های مرزی خود بود. بنابراین به نظر می‌رسد تاریخ‌گذاری این محوطه‌ها یک اقدام سیاسی هوشمندانه بوده است. اما این اقدام هوشمندانه از سوی گذار صورت پذیرفته است؟ همانطور که می‌دانیم لایحه ثبت آثار ملی پس از طرح در جلسه ۱۷۲ مجلس شورای ملی در تاریخ دوازدهم آبان ۱۳۰۹ به تصویب می‌رسد (مشروح مذاکرات مجلس ملی دور هفتم ۱۳۹۶). پیشنهاد دهنده این لایحه محمدعلی فروغی است که در آن زمان به‌عنوان وزیر خارجه و کفیل وزارت تازه تاسیس اقتصاد ملی است. وی از پایه گذران انجمن آثار ملی و فرهنگستان زبان و ادب فارسی بوده و نیز آشنایی کاملی با تاریخ ایران داشته است. وی به‌طور مستقیم با مباحث مربوط به اختلافات مرزی ایران و همسایگان درگیر بوده است. به نظر می‌رسد این اقدام در معرفی کردن این سه محوطه به‌عنوان نخستین آثار ملی و تاریخ‌گذاری آن‌ها به دوره ایلامی زیر نظر و به احتمال فراوان به پیشنهاد وزیر خارجه وقت، محمد علی فروغی و در راستای تثبیت مالکیت ایران در مناطق مورد مناقشه انجام گرفته است.

در نهایت با وجود اینکه در آن زمان نام تمدن ایلام را با «ع» می‌نوشتند و حتی در برگه‌های ثبت ملی این سه اثر تاریخ‌گذاری پیشنهادی برای آن‌ها «عیلامی» ذکر شده، ولی با توجه به اینکه آن

عیلام، ایلام یا هَلتَمتی؟ (محمد امین میرقادری و بهار رضائی باغبیدی) ۳۰۱

زمان مقارن با شکل‌گیری فرهنگستان زبان فارسی بود و تلاش می‌شد برای نام شهرها و ... اسامی فارسی انتخاب نمایند، برای مثال نام شهرهایی مانند عبادان به آبادان، طهران به تهران و ساوجبلاغ مکرری به مه‌آباد تغییر کرد و همچنین برای روستای حسین‌آباد به جای نام عیلام (هرچند نام عیلام معرب نبوده است)، ایلام را انتخاب کرده‌اند (جلال‌پور، ۱۳۹۱: ۶۰). از این‌رو به نظر می‌رسد انتخاب این نام برای شهر ایلام و پس از الحاق مهران و دهلران و تشکیل استان ایلام در سال ۱۳۵۳، با توجه به آن چه شرح داده شد و همچنین وجود بقایای فرهنگی ایلامی شاخص به ویژه در دهلران به عنوان کلید ایلام (فرین، ۱۴۰۰: ۷۵) کاملاً شایسته بوده است.

## ۷. بحث

از نظر زبان‌شناختی در هر دو زبان سومری و اکدی «خارج» و «خارجی» به شکل «شرق» و «سرزمین‌های کوهستانی» توصیف شده است. در زبان سومری واژه کوهستان برای سرزمین خارجی و مرد کوهستان نیز برای فرد خارجی به کار رفته است. در زبان اکدی نیز رفته‌رفته شرق معنی فرد خارجی به خود می‌گیرد (Stienkeller 1980). تیموتی پاتس معتقد است آوانگار نیم اطلاق کلی به سرزمین‌های شرقی است و به سختی می‌توان آن را به ایلامیان نسبت داد (پاتس، ۱۳۹۷: ۱۳). دلیل پاتس معتقد است که نام ایلام، نامی تحمیلی از سوی کاتبان میان‌رودانی است و نه نامی که ایلامیان برای خود برگزیده باشند (پاتس، ۱۳۹۲: ۲۵). نیم از منظر ساکنان میان‌رودانی یک میان‌جی کل برای خوانش و اطلاق به یک گستره وسیع جغرافیایی در شرق بوده است؛ برای نمونه می‌توان به مَرْتو (MAR-tu) اشاره کرد که در هزاره سوم پ.م. از سوی میان‌رودانی‌ها اطلاق کلی به بخش‌های وسیع جغرافیایی است که از منظر فرهنگ و خصوصیات تمدنی در سطح پایین‌تری (از منظر شهرنشینان میان‌رودان) قرار داشتند؛ با آغاز هزاره دوم پ.م. ساکنان این سرزمین‌ها خود را با نام آموری معرفی می‌کنند (Verderame 2009: 253-254). چنین نمونه‌ای را می‌توان در زبان فارسی و واژه‌ی «فرنگ» نیز مشاهده کرد که برای اطلاق به کشورهای غربی استفاده می‌شده است (Desset 2017: 8). دوسه پیشنهاد می‌کند که نام ایلام را بایستی به صورت هَتَمتی نوشت، نامی که حداقل از زمان سیو-پَلَر-هوه‌پَک و یا به احتمال بیشتر توسط سیروکدوه (Sirukduh/Siwe-palar-huhpak) مربوط به قرن ۱۸ پ.م. به‌کاررفته که خود را «شاهزاده/فرمانروای ایلام» (menik hatamti) خوانده، رایج بوده است (Rutten 1949: 163; Desset 2022: 26).

## ۸. نتیجه‌گیری

احتمالاً نام سومری و اکدی ایلام به طور مستقیم و همچنین نام عبری به طور غیر مستقیم متأثر از هَلْتَمْتی است. آنگونه ریشه و معنای نیم یا اَلَم سومری، اَلَمْتو اکدی و عیلام عبرانی ارتباطی با «سرزمین بلند» و تفاسیر آن نداشته است. همچنین نگارش این نام به صورت عیلام از سوی عبرانیان تنها بر اساس تفسیر منحصر به فرد آنان از نام اَلَم / اَلَمْتو و یا خوانشی خاص از نام سومری ایلام بوده است. از سوی دیگر با توجه به مباحث مطرح شده نیز دریافتیم که نام شهر ایلام و سپس استان ایلام نیز کاملاً در ارتباط با تاریخ و پیشینه ایلام است و به نوعی در راستای حفظ تمامیت ارضی ایران در اوایل قرن ۱۴ شمسی انتخاب شده است. با تشکیل استان ایلام نیز مناطقی مانند مهران، دهلران (که در متون میانرودانی به کلید ایلام مشهور است) و دره‌شهر به این استان الحاق می‌شوند که از منظر تاریخی و باستان‌شناسی بقایای مهم فرهنگی مربوط به هزاره سوم و دوم پ.م. را در خود دارند؛ بنابراین هر چند محدوده استان امروزی خوزستان را می‌توان به عنوان قلب و مرکز حکومت ایلامیان در نظر گرفت، اما به نظر می‌رسد نام‌گذاری استان ایلام اقدامی هوشمندانه بوده که مدارک باستان‌شناسی نیز از آن پشتیبانی می‌کند. به نظر می‌رسد بهتر است همانطور که امروزه بسیاری از اسامی و جای‌نام‌های کهن مثل اَوْن، اَنشان، شیمشکی و ... را که به استناد متون میخی می‌نویسیم، نام ایلام را نیز براساس همین متون به صورت ایلام / اَلَم و یا هَلْتَمْتی / هَتَمْتی بنگاریم، که هم از اصالت تاریخی دقیقی نیز برخوردار است و هم نشان‌دهنده معنی و ریشه درست آن است.

## سپاسگزاری

در اینجا لازم است از آقای دکتر سجاد علی‌بیگی و آقای دکتر میلاد جهانگیرفر که نکات سودمندی در راستای بهبود مقاله پیشنهاد نمودند تشکر و قدردانی کنیم.

## پی‌نوشت‌ها

۱. در این مقاله تمامی واژه‌نگارهای سومری با قلم Times New Roman بزرگ، تلفظ سومری با قلم Times New Roman، نام‌های اکدی با قلم Times New Roman ایتالیک و نام‌های ایلامی با قلم Times New Roman پررنگ نوشته شده‌اند.

۲. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: (جهانگیرفر و گشتاسب ۱۳۹۵).



### عیلام، ایلام یا هَلتَمتی؟ (محمد امین میرقادری و بهار رضائی باغبیدی) ۳۰۳

۳. اِمِسل (eme-sal) گویشی خاص از زبان سومری است که توسط روحانیون دینی (kalû یا gala اکدی) و یا متونی مربوط به سخنان این راجع بوده است. معمولاً سروده‌های دینی و سوگواری‌هایی که بر فراز شهرهای سومری توسط الهه‌ها گفته می‌شد نیز به این گویش بوده است (Rubio 2007: 1369). ممکن است اِمِسل به معنی زبان ظریف و نازک (sal = raqqu) (Black et al. 2000: 299) به همین دلیل ممکن است این گویش یک گویش زنانه بوده باشد (Edzard 2003: 171).

۴. برای مشاهده نمونه‌های دیگر بنگرید به: (ارفعی، ۱۳۷۶، ۸۱).

۵. با مخالفت انگلستان در این کنفرانس، دولت تازه تأسیس شده عراق که مورد حمایت انگلستان بود نیز از این طرح حمایت نمی‌کند و این کشمکش ادامه یافته تا آنجا که می‌توان جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۵۹ را نتیجه چنین رویکردی از سوی انگلستان دانست.

۶. برای اطلاعات بیشتر پیرامون تلفظ هَلتَمتی (hatamti) در متون ایلامی خطی بنگرید به: (Desset 2022).

## کتاب‌نامه

کتاب مقدس

وبگاه کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی <https://www.ical.ir/ical/>

احتشامی، منوچهر، لقایی، آزیتا و معزی، فاطمه، (۱۳۸۳)، *خوزستان و لرستان در عصر ناصری به روایت فرمان‌های ناصرالدین شاه، مکاتبات امیرکبیر و میرزا آقاخان نوری با احتشام‌الدوله*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

ارفعی، عبدالمجید، (۱۳۶۷)، «سپیده‌دمی که به روشنایی می‌گراید»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ ۳، صص: ۷۷-۷۸.

ارفعی، عبدالمجید، (۱۳۷۶)، «شیوه برگردان نام‌ها و واژگان - زبان‌های سومری، اکدی (بابلی و آشوری) و ایلامی به پارسی». در: *مجموعه مقالات یاد بهار*، تهران: انتشارات آگه، صص: ۷۵-۸۴.

افشار سیستانی، ایرج، (۱۳۷۲)، *ایلام و تمدن دیرینه آن*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

اکبری، مرتضی، (۱۳۹۳)، «روابط ایران و عراق در عصر پهلوی (با نگاهی به نقش مردم ایلام در روابط دو کشور)»، *فرهنگ ایلام* ۴۲ و ۴۳، صص: ۱۶۵-۱۴۷.

پاتس، دنیل، (۱۳۹۲)، *باستان‌شناسی ایلام*، ترجمه زهرا باستی، تهران: سمت.

پاتس، تیموتی، (۱۳۹۷)، *ایران در اسناد میانرودانی هزاره سوم و دوم پ.م.*، ترجمه خشایار بهاری، تهران: نشر فرزانه روز.

جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۷۶)، *بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

۳۰۴ زبان‌شناخت، سال ۱۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

- جلال‌پور، شهره، (۱۳۹۱)، «تحلیل تغییر اسامی شهرهای ایران در دوره پهلوی اول و نقش فرهنگستان ایران»، *فصلنامه گنجینه اسناد* ۸۴، صص: ۴۴-۶۳.
- جهانگیرفر، میلاد و گشتاسب، فرزانه، (۱۳۹۵)، *عیلام و عیلامیان در کتاب مقدس، دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه ادیان*، سال ۱۰ شماره ۲، صص ۲۷-۶۰.
- رضائی باغبیدی، حسن، (۱۳۸۴)، «نگاهی گذرا به ترجمه متون مقدس و ترجمه‌های قرآن»، *معارف*، دوره ۲۱، شماره ۱، صص: ۳۱-۴۷.
- زینی‌وند، محسن و شریفی، فرشته، (۱۳۹۸)، *سلیمان‌تپه، تل بکسایه و سبعت کهریز (تلاش برای یافتن سه محوطه نخست ثبتی ایران)*، *مجله مطالعات باستان‌شناسی پارسه* ۹، صص: ۳۷-۲۳.
- علیزاده، عباس، (۱۳۸۶)، *تئوری و عمل در باستان‌شناسی (با فصل‌هایی در زیست‌شناسی تحوّل و معرفت‌شناسی)*، چاپ سوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- علی محمدی، نعمت‌الله، (۱۳۸۸)، «شهریاری ایلام، نشست و نقد بررسی کتاب شهریاری ایلام»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا* ۱۳۷، صص: ۳۹-۴۶.
- فرین، داگلاس، ۱۴۰۰، *جای‌نام‌های میان‌رودان و ایران در هزاره سوم پ.م.*، ترجمه محمد امین میرقادری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مفیدی نصرآبادی، بهزاد، (۱۴۰۰)، *چغازنبیل: بافت شهری و جنبه‌های معماری در ایلام باستان*، تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری سخن.
- نورائی، مرتضی و مهمان‌نواز، محمود، (۱۳۹۱)، «بررسی اسناد کشف‌شده‌های والیان پشتکوه با حکومت عثمانی بر سر معادن نمک (۱۸۳۸-۱۹۲۸ / ۱۲۵۵-۱۳۴۷ ه.ق)»، *فصلنامه گنجینه اسناد* ۸۷، صص: ۴۰-۲۰.

#### The Bible

- Afshar Sistani, E., (1993). *Ilam and its Civilization*. Ministry of Culture and Islamic Guidance press. Tehran (in Persian).
- Akbari, M., (2014). "Iran and Iraq Ties at Pahlavi Era (with a glance at the role of Ilam people in the ties of two countries)". *Farhange Ilam* 15 (42, 43): 147-165 (in Persian).
- Alizadeh, A., (2007). *Methods and Theories in Archaeology*. 3<sup>rd</sup> editions. ICHO, Tehran (in Persian).
- Black, J., George, A. and Postgat, N., (2000). *A Concise Dictionary of Akkadian*, Harrassowitz Verlag. Wiesbaden.
- Bryce, T., (2009). *The Routledge Handbook of the Peoples and Places of Ancient Western Asia; the Near East from the Early Bronze Age to the fall of the Persian Empire*. Routledge. London.
- Borger, R., (2004). *Mesopotamisches Zeichenlexikon* (Alter Orient und Altes Testament 305), Ugarit Verlag, Münster.
- Damerow, P., and Englund, R.K., (1989). *The Proto-Elamite Texts from Tepe Yahya*, American School of Prehistoric Research, Peabody Museum, Bulletin 39. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press, Peabody Museum of Archaeology and Ethnology.

عیلام، ایلام یا هَلْتَمْتی؟ (محمد امین میرقادری و بهار رضائی باغبیدی) ۳۰۵

- De Morgan, J., (1894). *Mission scientifique en Perse: Etudes Geographiques*. Tome Premier. Paris: E. Leroux.
- De Morgan, J., (1895). *Mission scientifique en Perse: Etudes Geographiques*. Tome Second. Paris: E. Leroux.
- Desset, F., (2017). "Here ends the history of Elam: Toponymy, linguistics and cultural identity in Susa and south-western Iran, ca.2400-1800 BC." *Studia Mesopotamica Jahrbuch für altorientalische Geschichte und Kultur Ugarit-Verlag – Buch- und Medienhandel GmbH, Münster*: 1-32.
- Desset, F., Tabibzadeh, K., Kervran, M., Basello, G. & Marchesi, A. (2022). "The Decipherment of Linear Elamite Writing". *Zeitschrift für Assyriologie und vorderasiatische Archäologie*, 112(1): 11-60.
- Dubovsky, P., (2018). "Elam and the Bible", In: Alvarez-Mon, J., Basello, G.P. and Wicks, Y., (eds.). *The Elamite World*, Routledge. World Series, Taylorand Francis, Abington: 27-40.
- Edzard, D. O., (2003). *Sumerian Grammar*, Leiden: Brill.
- Edzard, D.O, (1967). "The Early Dynastic period", in Bottero, J., Cassin, E. and Vercouter, J., (eds.), *The Near East: The early civilizations*. NewYork: Delacorte Press, 52-90.
- Edzard, D.O., (1997). *Gudea and his Dynasty*. RIME 3/1. University of Toronto Press. Toronto.
- Fiey, J.M., (1979). *Communautes syriaques en Iran et Irak des origines a 1552*. Vatorum Reprints. London.
- Frayne, D., (1997). *Ur III period (2112-2004 bc)*. The royal inscriptions of Mesopotamia, early periods, vol. 3/2, University of Toronto press.
- Frayne, D., (2008). *Presargonic Period (2700-2350 BC)*. RIME1. University of Toronto Press. Toronto.
- Frayne, D., (2021). *Early Dynastic List of Geographical Names*. Translated by Mohammad Amin Mirghaderi, University of Tehran Press. Tehran (in Persian).
- Gelb, I., (1944). *Hurrians and Subarians*. The University of Chicago press. Chicago.
- Halloran, J.A., (2006). *Sumerian Lexicon: A Dictionary Guide to the Ancient Sumerian Language*. Logogram Publishing. Los Angeles.
- Huehnergard, J., (2000). *A Grammar of Akkadian*. Winona Lake, Eisenbrauns.
- Huehnergard, J., and Woods, Ch., (2008). "Akkadian and Eblaite", In: Woodard, R.D., (ed.). *The Ancient Languages of Mesopotamia, Egypt, and Aksum*. Cambridge: Cambridge University Press:83-152.
- Jacobsen, T., (1939). *The Sumerian King List*. Chicago: AS 11.
- Jacobsen, T., (1967). Some Sumerian City-Names. *Journal of Cuneiform Studies*, 21, 100–103.
- Jafari Valdani, A., (1997). *A Historical Study of Border Disputes between Iran and Iraq*. Ministry of Foreign Affairs Press. Tehran (in Persian).
- Jalalpoor, S. (2013). "Changing the Names of Cities in Iran in the First Pahlavi Era and the Role of the Language Academy of Iran". *Ganjine-ye Asnad*, 22(4): 44-63 (in Persian).
- Klein, E., (1987). "A Comprehensive Etymological Dictionary of the Hebrew Language for Readers of English". *The Beatrice & Arthur Minden Foundation*. The University of Haifa: 466-467.

- Krebernik, M., (2006). "Philologische Aspekte elamisch-mesopotamischer Beziehungen im Überblick". *Babel und Bibel* 3: 59-99.
- Mallowan, M., (1971). "Albert Reckitt Archaeological Lecture - Elamite Problems (Read 17 December 1969)". *Proceedings of the British Academy* Vol.55: 255-299.
- Michalowski, P., (2008). "Observations on 'Elamites' and 'Elam' in Ur III times", In: Michalowski, P., (ed.). *On the third dynasty of Ur, studies in honor of Marcel Sigrist*, Journal of cuneiform studies, supplemental studies no 1, American schools of oriental research, Boston: 109-123.
- Nouraei, M. and Mehmannaavaz, M., (2012). "A Record-Based Study of Conflicts between Governors of Poshtkouh (Ilam) and the Ottoman Government over Salt Mines (1838-1928)". *Ganjine-ye Asnad*, 22(3): 20-40 (in Persian).
- Poebel, A., (1914). *Historical Texts*, University of Pennsylvania, Pennsylvania.
- Poebel, A., (1931). "The name of Elam in Sumerian, Akkadian and Hebrew", *American Journal of Semitic language and literature* 48/1: 20-26.
- Potts, D., (2013). *The Archaeology of Elam*, Translated by Zahra Basti, Samt, Tehran (in Persian).
- Potts, D.T., (2018). "Elam regio: Elam in Western scholarship from the Renaissance to the late 19th century", In: Alvarez-Mon, J., Basello, G.P. and Wicks, Y., (eds.). *The Elamite World*, Routledge. World Series, Taylorand Francis, Abington: 11-26.
- Potts, T.F., (2018). *Mesopotamia and the East, An Archaeological and Historical study of the foreign relations, 3400 to 2000 B.C.* Translated by Khashayar Bahari, Farzan Roz, Tehran (in Persian).
- Rubio, G., (2007). "Sumerian Morphology", In: Kaye, A.S., *Morphologies of Asia and Africa*, Vol. 1 Winona Lake, Indiana Eisenbrauns: 1379-1327.
- Rutten, M., (1949). "Archéologie susienne: deux fragments de tablette provenant de Suse au nom de Siwepalarhuhpak", in R. de Mecquenem, and M. Rutten, *Épigraphie proto-élamite et archeology susienne*. MDP 31. Paris: Presses Universitaires de France: 151-167.
- Selz, G. J., (1991). "Elam und Sumer: Skizze einer Nachbarschaft nach inschriftlichen Quellen der vorsargonischen Zeit", *Mesopotamian History and Environment, Occasional Publications Vol. 1: Mésopotamie et Elam*, Actes de la XXXVIème Rencontre Assyriologique Internationale, Gand, 10-14 juillet 1989: 27-43.
- Speiser, E.A., (1930). *Mesopotamian Origins: The Basic Population of the Near East*. University of Pennsylvania Press.
- Stienkeller, P., (2018). "The birth of Elam in history". In: Alvarez-Mon, J., Basello, G.P. and Wicks, Y., (eds.). *The Elamite World*, Routledge. World Series, Taylorand Francis, Abington: 177-203.
- Steve, M.J., Gasche, H., and De Meyer, L., (2002). "Suse". In: Briend, J., and Quesnel, M., (eds.). *Supplément au Dictionnaire de la Bible, Fasc. 73*, Paris, Letouzey and Ane: 359-511.
- Stienkeller, P., (1980). "The old Akkadian terms for Eastern". *Revue dAssyriologie* 47: 1-9.
- Stolper, M.W., (1984). "Political history", *Elam, surveys of political history and archaeology*, Near eastern studies vol. 25, University of California press:3-100.
- Vallat, F., (1996). "Elam: *Haltamti/Elamtu*", *NABU* 89.
- Verderame, L., (2009). "Martunel III millennio: fontiiinterpretazioni". *Rivistadegli Studi Orientali* 82: 229-260.

عیلام، ایلام یا هَلْتَمْتی؟ (محمد امین میرقادری و بهار رضائی باغ‌نیدی) ۳۰۷

Zeynivand, M. and Sharifi F., (2019). “Sulaiman Tapa, Tel-e Baksaye and Seba’āt-e Kahriz (A quest to find Three Lost National Nominated Sites)”. *Parseh J Archaeol Stud* 3 (9):23-37 (in Persian).